

بررسی سه نامه ترکی در عصر صفوی

جهاد آیدوغموش اوغلو^۱ / ترجمه علی ابوالقاسمی^۲

چکیده

دولت صفوی (۱۷۳۶-۱۵۰۱ م) در اوایل قرن شانزدهم و با حمایت قبایل ترکمان توسط اسماعیل میرزا تأسیس شد. اسماعیل بهادر خان با اتخاذ عنوان شاه در تبریز و بر روی میراث آق قویونلو حاکمیت خود را اعلام و مذهب شیعی اثنی عشری را به عنوان مذهب رسمی انتخاب کرد. از این تاریخ شاه اسماعیل در تلاش برای یکپارچه کردن ایران در زیر لوای مذهب تشیع به تقابل با عثمانی‌ها در غرب و ازبکان در شرق پرداخت. این تقابلات در زمان جانشینان شاه اسماعیل یعنی شاه طهماسب و شاه عباس به اوج خود رسید به طوری که منجر به شکل‌گیری چندین نبرد خونین گردید. با قدرتمند شدن دولت صفوی در سایه اصلاحات اداری و نظامی شاه عباس کبیر (۱۶۲۹-۱۵۸۷)، آن‌ها برای مدتی در قرن هفدهم در آرامش و راحتی به سر بردند. اما در اواسط قرن هجدهم و با استیلای افغانه حکومت صفوی به تاریخ پیوست. در این مقاله ضمن معرفی سه نامه ترکی مربوط به عصر صفوی به ارزیابی آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: ایران، حکومت صفوی، شاه اسماعیل، شاه عباس کبیر، عبدالمومن خان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آنکارا

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان aliabolghasemi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

شاه اسماعیل رهبر طریقت صفویه، با حمایت قبایل ترکمان مناطق آناتولی، آذربایجان، ایران و سوریه در اواسط سال ۱۵۰۱ م در کاخ هشت بهشت تبریز پایتخت سابق آق قویونلوها بر تخت سلطنت نشست، و بدیت ترتیب دولت صفوی به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. شیخ اسماعیل با انتخاب لقب شاه برای خود، شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی اعلام و اقدام به ضرب سکه نمود. وی سپس پست‌های مهم و کلیدی را به روسای قبایل تشکیل دهنده دولت صفوی اعطا کرد. (گوندوز، آخرین قزلباش: ۷۳-۴۵). دولت صفوی توسط قبایل ترکمان تأسیس شد و اکثریت افرادی که در تشکیل و توسعه دولت صفوی نقش داشتند جوامع روستایی و کوچ نشین ترک معروف به قزلباش بودند. عشایر ترکمان اصطلاح قزلباش را با افتخار بکار می‌بردند و دولت خود را نیز دولت قزلباش و سرزمینشان را الکای قزلباش می‌نامیدند. استفاده از کلاه سرخ توسط قبایل کوچ نشین ترکمان آناتولی در قرن سیزدهم و چهاردهم مشخص است و لذا نباید تعجبی بابت کلاه و تاج سرخ قبایل ترک مرید شیوخ صفوی در قرون بعدی کرد. (سومر، دولت صفوی: ۳).

بعد از تحکیم حکومت، شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ ق (۱۵۱۱-۱۵۱۰ م) به نبرد با ازبکان در شرق پرداخت که در نتیجه آن پادشاه ازبکان شیبانی خان به قتل رسید. بدین ترتیب شاه اسماعیل با انجام یک سلسله اقدامات نظامی موفق به ایجاد اتحاد سیاسی در ایران گردید (یازیجی: ۵۴). در نتیجه تبلیغات و اقدامات تحریک آمیز شاه اسماعیل در آناتولی جنگ چالدران در سال ۱۵۱۴ ق بوقوع پیوست که با شکست صفویان توأم شد. در زمان شاه اسماعیل، آذربایجان، خراسان، فارس، عراق عجم، کرمان و خوزستان تحت حاکمیت مطلق صفویان، و ایالات بلخ و قندهار و دیاربکر نیز بعضی اوقات در تصرف آن‌ها بود (گوندوز، صفوی‌ها: ۴۵۳). در حدود ده سال بعد از جنگ چالدران شاه اسماعیل در سال ۱۵۲۴ ق فوت کرد و فرزندش طهماسب میرزا جانشین او گردید.

شاه طهماسب بعد از پرداختن به اختلافات قدرت میان قبایل قزلباش با عثمانیان رودرو شد. بعد از سه سفر جنگی سلطان سلیمان قانونی به ایران سرانجام در سال ۱۵۵۵ ق قرارداد صلح آماسیه میان دو دولت منعقد شد. بعد از آن شاه طهماسب، هرات را از ازبکان و قندهار را از گورکانیان بازپس گرفت. شاه طهماسب بعد از ۵۲ سال حکومت سرانجام در سال ۱۵۷۶ م فوت کرد (یازیجی: ۵۵). بعد از چندین سال اختلافات و مجادلات بر سر تخت پادشاهی در سال ۱۵۸۷ ق عصر شاه عباس آغاز شد. شاه عباس نوه شاه طهماسب و فرزند سلطان محمد خدابنده یکی از چند پادشاه مهم حکومت صفویه است. (سومر، تاریخ صفویه: ۱۱). عصر حکومت شاه عباس کبیر (۱۶۲۹-۱۵۸۷ م) از هر جهت عصر طلایی حکومت صفویه است. شاه عباس با شکست ازبکان، گورکانیان و عثمانی‌ها ضمن بازگرداندن قلمروهای از دست رفته موفق به تحکیم قدرت صفویه در داخل و خارج ایران گردید. شاه عباس، که با غرب ارتباط برقرار کرده بود، با توسعه تجارت یک دوره رفاه اجتماعی را بوجود آورد. او همچنین فعالیت‌های عمرانی بسیار وسیعی در کشور آغاز کرد. شاه عباس پادشاهی دارای عزم و اراده راسخ، کاری و باهوش بود. او با نجات کشور از درگیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی توانست درخشان‌ترین و قدرتمندترین دوران حکومت صفویه را رقم بزند (سومر، تاریخ صفویه: ۲۱).

شاه صفی، که در سال ۱۶۲۹ و پس از شاه عباس بر تخت سلطنت نشست، امور مملکتداری را به وزرای خود واگذار کرده و بیشتر به دنبال امیال شخصی خویش بود. به همین دلیل، در نبرد ۱۶۳۸ م با دولت عثمانی شکست خورده و بغداد از دست صفویان خارج شد. با انعقاد قرارداد قصرشیرین با دولت عثمانی در سال ۱۶۳۹ م دوران صلح بین دو کشور برقرار شد. در شرق نیز واکنش خاصی به حملات ازبکان که خراسان را همواره مورد غارت و چپاول قرار می‌دادند انجام نشد. شاه صفی در طی دوران حکومت خود بسیاری از دولتمردان مهم خود را نیز به قتل رساند (گوندوز، صفویان: ۴۵۵). علاوه بر این، با تبدیل اراضی ممالک به خاصه باعث افزایش نابسامانی‌های مالی و نظامی کشور شد.

با فوت شاه صفی در سال ۱۶۴۲ م فرزندش عباس دوم جانشین وی گردید. عصر حکومت شاه عباس دوم با عنوان دوران سقوط صفویان توصیف شده است. او در سال ۱۶۴۸ م قندهار را از دست گورکانیان بازپس گرفت. هلندی‌ها که فعالیت خود را در خلیج فارس افزایش داده بودند، توانستند از شاه امتیازاتی بگیرند. شاه عباس دوم در زمان سلطنت خود دست به یک سری اقدامات خشونت آمیز زد و خواستار آن بود که نظم و نساقی به امور کشور ببخشد. در زمان سلطنت وی حادثه قابل توجهی در داخل کشور اتفاق نیافتاد و مناسبات با کشورهای همسایه به استثنای موضوع قندهار دوستانه بود. بعد از شاه عباس دوم، عقبگرد دولت صفوی بیشتر شد (قرادینیز: ۵۴-۵۵).

شاه اول سلیمان، که در سال ۱۶۶۶ بر تخت سلطنت نشست، اگرچه سعی داشت با دور ماندن از حرمسرا، خود امور مملکتداری را در دست بگیرد اما موفق به انجام آن نشد. در زمان او امور مملکت در دست زنان و خواجگان حرم بود. در زمان او و باتوجه به درگیری‌های عثمانی در غرب و محاصره وین، پیمان صلحی میان دو کشور منعقد شد. هنگامی که شاه سلیمان در سال ۱۶۹۴ درگذشت، حکومت صفوی عاری از قدرت مرکزی، پریشانی‌ها و آشفتگی‌ها در برابر حملات، آسیب پذیر شده بود (قرادینیز: ۵۶-۵۵). شاه سلطان حسین، که در سال ۱۶۹۴ بر تخت سلطنت نشست، با کشوری مملو از مشکلات اقتصادی مواجه بود. در این زمان، حکومت صفویه همراه با سلطان حسین در سرایشی سقوط افتاده بود. ازبک‌ها شرق را مورد حملات و غارتگری‌های خود قرار داده بودند و امرا (گرجی، بلوچ و...) در فقدان قدرت مرکزی پرچم عصیان برافراشته بودند. البته سرکوب این شورش‌ها با ارتشی که نظم و نساق آن مختل شده بود کار آسانی نبود (قرادینیز: ۵۷-۵۸). در فقدان امنیت جاده‌ها، تجارت مختل شده و مردم زیر رشوه و مالیات‌های سنگین در حال خرد شدن بودند.

افاغنه با استفاده از فرصت بدست آمده ناشی از اوضاع پریشان و پر آشوب داخلی حکومت صفویه و با بهانه قرارداد ترویج سیاست شیعی حکومت در سال ۱۷۰۹ م شورش کردند و در عرض سیزده سال قندهار، هرات، مشهد، کرمان و سرانجام پایتخت صفویه اصفهان را در سال ۱۷۲۲ ق تصرف کردند. طهماسب میرزا که در هنگام محاصره اصفهان به قزوین فرار کرده بود در قزوین بر تخت سلطنت نشست.

با تلاش‌های نادر بیگ افشار ملقب به طهماسب‌قلی خان، افغان‌ها در سال ۱۷۲۹ از ایران رانده شدند. نادر بیگ افشار که در سال ۱۷۳۲ کنترل کامل اداره کشور صفوی را در دست داشت، به بهانه بی‌لیاقتی شاه طهماسب دوم وی را از تخت

سلطنت خلع و فرزند ده ماهه اش را با عنوان شاه عباس سوم بر تخت سلطنت نشاند (گوندوز، صفوی: ۴۵۵). نادرشاه که از تیره قرقلوی افشار بود مدت زمان کوتاهی بعد از حکومت شاه عباس سوم و در سال ۱۷۳۶ م و با توجه به کودک بودن شاه عباس سوم در قوریلتهای دشت مغان، صفویان را از قدرت عزل و سلسله خاندانی خود را تأسیس کرد (یازجی: ۵۷-۵۶). حکومت صفوی طولانی‌ترین دوران یک حکومت در ایران بعد از اسلام است.

از جمله دلایل تضعیف و سقوط حکومت صفویه، کم رنگ شدن تدریجی وفاداری مذهبی که در هنگام تأسیس حکومت وجود داشت، رقابت و برخورد عناصر قدیمی و جدید در ارتش که در نتیجه اصلاحات شاه عباس شکل گرفته بود، از بین رفتن تعادل میان املاک عامه و خاصه در نتیجه اقدامات جدید شاه عباس و جانشینانش و بروز مشکلات اقتصادی، ناتوانی و ناکارآمدی پادشاهان، دور نگه داشتن شاهزادگان از امور درباری و مملکتداری و مداخلات زنان و خواجگان در اداره امور مملکتداری را می‌توان نام برد. شاهان صفویه بالاخص شاه عباس بعد از شکست‌های پی در پی از عثمانیان با درک ناکارآمدی تشکیلات حکومتی و در راستای تقویت آن دست به یکسری اقدامات اصلاحی در امور نظامی و اداری زدند. اگرچه در این زمینه موفقیت‌هایی هم حاصل شد اما هیچگاه، حاکمیت مطلقه حکومت مرکزی، سیستم زمینداری مشخص علی‌رغم همه مشکلات، جمع‌آوری منظم مالیات‌ها، و ارتشی منضبط و مجهز به سلاح‌های مدرن، آن گونه که در عثمانی وجود داشت، شکل نگرفت. بنظر نویسنده این مسأله از مهم‌ترین عواملی است که صفویان را به سقوط سوق داد.

دولت صفوی، میراث اداری و تشکیلاتی آق‌قویونلوها را به ارث برد و با تداوم سنت ایلخانی و آق‌قویونلو در احیای مفهوم دولت ایران باستان نقش بسزایی داشت. در واقع سهم صفویان در اتحاد سرزمین ایران در زیر لوای شیعی و شکل‌گیری ایران مدرن (فارس شیعی) غیر قابل انکار است. از جنبه نظامی و بر خلاف حکومت‌های عثمانی و مملوک تکیه حکومت‌های آق‌قویونلو و صفوی به قبایل کوچ‌نشین ترک باعث کوچ جوامع ترک در آناتولی جنوب شرقی و سوریه (افشار و غیره) به ایران گردید (سومر، اوغوزلار: ۲۸۱). طبیعی بود که زندگی اجتماعی در ایران عصر صفوی یعنی جایی که جمع‌گیری از ترکمانان در آن ساکن هستند خصوصیات زندگی قبایل ترکمان را نیز در خود بپروارند. به دلیل وجود قبایل ترکمان قزلباش، ترکی در جغرافیای ایران رواج پیدا کرد و پادشاهان صفوی هر از گاهی مکاتبات را به زبان ترکی انجام می‌دادند. البته باید توجه داشت که در دوره صفویه زبان ترکی زبان دربار و ارتش است و زبان مکاتبات رسمی فارسی (جزء در استثنائات) است. در ایران عصر صفوی، بغیر از قبایل ترکمان، مردم بومی ایران (از جمله شهری و روستایی) نیز حضور داشتند. همچنین تبعه‌های غیر مسلمان که عموماً تجار بودند نیز زندگی می‌کردند. سیاحان غربی مشاهدات جالبی از زندگی، زبانهای گفتاری و تمامی موضوعات مرتبط با حیات اجتماعی ایران عصر صفویه ارائه داده‌اند.

نامه ترکی شاه اسماعیل

گسیل شدن احمد اقا قرامانلو از امرای شاه اسماعیل به سوی موسی بیگ دورغوت اغلی اندکی قبل از جنگ چالدران نشان از دستاویزهای جدید است (تکین داغ: ۵۲). دورغوت ها، یکی از تیره‌های بزرگ وابسته به ترکمانان قرامان بودند که در رأس آن‌ها دورغوت بیگ از امرای ترکمان قرار داشت. دورغوت ها حتی پس از فتح قرامان توسط عثمانی ها برای مدتی به حیات سیاسی خود ادامه دادند (سومر، دورغوتلار: ۱۲۲-۱۲۰). به گفته توفان گوندوز، شاه اسماعیل در این نامه ارسالی به موسی بیگ دورغوت اغلو در سال ۱۵۱۲ ق خواستار سازماندهی مریدان شده است (گوندوز، آخرین قزلباش: ۱۲۳).

در فرمان شاه اسماعیل که توسط افتخار الاعظم و الاعیان احمد آقا قرامانلو به امیر اعظم اکرم دورغوت اغلی به سنه ۷ ربیع الاول ۹۱۸ ق (۲۳ می ۱۵۱۲) نوشته شده در زیر طغرای الحکم لله ابوالمظفر اسماعیل بهادر سوزوموز مهری که حاوی نام دوزاده امام شیعی است دیده می‌شود (تکین داغ: ۵۲). به گفته مرحوم تکین داغ اصل نامه مذکور در آرشیو موزه عثمانی (Nr. ۵۴۶۰) نگه داری می‌شود. عادل اللوچه در کتاب خود کپی آن را به پیوست آورده است. اصل متن نامه مذکور اینگونه است:

الحکم ابوالمظفر اسماعیل بهادر سوزوموز

امیر اعظم اکرم، موسی دورغوت اوغلی عنایت و شفقتیمیزه امیدوار اولندن صونکره، شیله بیلسون کیم، افتخار الاعظم و الاعیان احمد اقا قرامانلو اول طرفه کوندردوک و اول یرنک اختیارلکینی کندویه شفقت اتسون. کرک کیم، مشارالیه سوزوندن و مصلحتندن چیخمسون و متابعت و یاریدیم اونکا قیلسون. کیم انشاءالله تعالی هر نه کیم آنک مرادی و ایستکی اولسه، حاصل دور. کوندن کونه هر ایش واقع بولسا، احمد اقا اتفاقی ایله درگاه معلامزه بیلدورسونلر. کیم، هر نوع بویرغمز اولسه عمل اتسون، کونکلیمزه خوش دوتوپ مرحمتمه امیدوار السون^۱.

تحریراً فی ۷ ربیع الاول، سنه ۹۱۸.

شاه اسماعیل در این نامه از موسی دورغوت اغلی می‌خواهد تا با ایلچی او در آناتولی احمد آقا قرامانلو در ارتباط بوده و از دستوراتش به دقت اطاعت کند. همچنین شاه دستور می‌دهد تا او را از تمام جزئیات فعالیت‌های انجام شده در آنجا مطلع کند. این نامه که به زبان ترکی و اندکی پس از به تخت نشستن سلطان سلیم ارسال شده، نشان از گستردگی و عمق نفوذ فعالیت‌های شبکه ای صفویه در امپراتوری عثمانی به ویژه در آناتولی دارد (آلوچه: ۱۸۳).

^۱. ترجمه فارسی نامه

به دستور ابوالمظفر اسماعیل بهادر

امیر اکرم موسی دورغوت اعلی بعد از امیدواری از عنایت و شفقت ما، بدانند که افتخار الاعظم و الاعیان احمد آقا قرامانلو را به عنوان ایلچی به نزد تو فرستاده تا اختیار و مسئولیت آن سرزمین را بتو ببخشد. می‌بایست از سخن و مصلحت مشارالیه خارج نشده از دستورات وی اطاعت کرده و او را یاری نماید. ان شالله تعالی هر تقاضا و خواسته ای دارید پذیرفته می‌شود و می‌بایست هر اتفاقی که در انجا اتفاق می‌افتد را از طریق وی به بارگاه ارسال کند. همچنین همه دستورات را انجام داده و امیدوار به مرحمت ما باشید.

نامه ترکی پادشاه ازبکان عبدالمومن خان به شاه عباس اول

شاه عباس پادشاه قدرتمند صفوی در سال ۱۵۹۲ م برای مقابله با ازبکان به خراسان لشکر کشی کرد. در این سفر جنگی، عبدالمومن خان فرزند عبدالله خان پادشاه ازبکان با اطلاع از استقرار قزلباش ها در دشت بسطام به نیشابور عقب نشسته و در آنجا نامه ای تحقیرآمیز را از طریق قاصدی به شاه عباس ارسال کرد. متن این نامه که به زبان ترکی جغتایی نوشته شده در یکی از کتب تاریخی قرن شانزدهم به نام نقاوه الاثار فی ذکرا لاختیار موجود است. (ثابتیان: ۲۵۲). متن نامه عبدالمومن خان خطاب به شاه عباس اینگونه است:

"ایالت پناه، سلطنت دستگاه، عباس میرزاغه معلوم اوله کیم قدیم الایام دین بری پادشاه لارنک ایکی ایش بولور، بیرری صلح، بیرری اوروش. ایمدی بیز دولت و اقبال بیلانک نشابور اوستتکا کلب تورومز و سن تاقي بسطام حدیقه کلیب تورورسن، اگر اوروشداد سیغه کیلور بولسانک، اصلاً مانع یوقتور، و اگر صلح دادسیغه هم کیلور بولسانک، سنی عراق پادشاهی بولسانک، بیز خراسان پادشاهی تورورمیز نچون کیم موندین بورون سلطان حسین میرزا بیرلان اوزن حسن قرار بیریب لار، شول دستورنی منظور کلیب اول خیال نی قیلسانک مسلمانلرنک رفاهیتی ایچون بولاغای و تاقي پادشاه لیقانی کیشی بیر جماعتک ارقاسیندین کلیب بولماس کراک آز، کراک کوب هرکیمسا تنکری تعالی پیروز بولسانک ملک او ننگ توروب دعا و سلام تیلدی" (نظنزی: ۴۰۸-۴۰۷).

نامه ترکی شاه عباس دوم

در سال ۱۰۷۰ ق / ۱۰۶۰ م و در زمان حکومت شاه عباس ثانی (ابوالمظفر و المنصور الموسوی صفوی ثانی) سیاح عثمانی درویش مصطفی به همراه دوستانش سفری به ایران نمودند. شاه عباس دوم که به مصاحبت با دانشمندان، شیوخ و درویش علاقه مند بود سیاح درویش مصطفی را به حضور پذیرفت، شاه که بشدت تحت تأثیر سخنان درویش مصطفی قرار گرفته بود در حق آن‌ها بسیار خوش رفتاری نمود، بطوریکه هنگام مراجعتشان به آناتولی، نامه ای به زبان ترکی خطاب به بیگلربیگی شیروان برای معاونت و تسهیل سفر آن‌ها به خط خود نگاشت (سومر، تاریخ صفوی: ۳۱). به گفته مرحوم فاروق سومر متن این نامه ها در دو اثر (یکی کتاب عباس نامه ص ۲۵۵ و دیگری کتاب قصص الخاقانی تألیف ولی قلی خان شاملو محفوظ در موزه بریتانیا) موجود است. همچنین رضاقلی خان مورخ مشهور قرن نوزدهم نیز متن این نامه را با اقتباس از یکی از این دو منبع فوق در کتابش ذکر کرده است. متن نامه نوشته شده شاه عباس دوم بدینگونه است:

۱. ایالت پناه، سلطنت دستگاه، عباس میرزا معلوم باشد که که از قدیم الایام پادشاهان دو وظیفه اصلی داشتند یکی صلح دیگری جنگ. اینک ما با دولت و اقبال به نیشابور آمده مستقر شده‌ایم و تو نیز به سرحد بسطام آمده‌ای. اگر خواهان جنگی و برای جنگ پیش آمده‌ای هیچ مانعی وجود ندارد و اگر برای صلح آمده‌ای تو پادشاه عراق باش و ما پادشاه خراسان. همانگونه که سلطان حسین میرزا (بایقرا) و اوزون حسن با یکدیگر توافق کرده بودند. اگر این قاعده را ملحوظ داری باعث رفاه حال مسلمانان خواهد شد. مرد لایق پادشاهی در پشت جماعت پنهان نمی‌کند. چه کم چه فراوان هر که را خداوند تعالی پیروز گرداند پادشاهی بر او قرار گرفته و مردم طلب سلامتی و دعا برای او خواهند کرد.



ابوالمظفر والمنصور شاه عباس الموسوي الصفوي الثاني

"اخلاص طریقینده راسخ العقیده، شجاعت و مبارزت یولوندا پسندیده، حاجی منوچهرخان!

توجه و عنایتیم طرفینه نهایتسبز بیلوپ، اوزونو اکثر خاطریمده بیلسن! خصوص بعضی فیضلو مجلسلرده، انشاءالله یاخشی وجهیله حضوروموزا ینتمه ک میسر اولاً!

آیینه ضمیری "ائمه‌ی معصومین علیه السلام" مهریندهن مصفی درویش مصطفی، یولداسی بیرله شیروان سمتیندهن اوز ولایتینه گنتمه ک اراده‌سی وار. مهربانلیق لازمه‌سینی یتره گتیرپ، روانه انده‌سنه^۱ (رضاقلی خان، ۴۸۱).

شاه عباس با علما و دروایش زمان خود در ارتباط بود و به توصیه‌ها و نصیحت‌های آنها همواره گوش می‌داد. شیخ بهاء‌الدین، مولانا محمد، میر محمد باقر، مولانا رجبعلی تبریزی و میرابوالقاسم از جمله شخصیت‌های مذهبی مورد توجه و صحبت شاه عباس دوم بودند. شاه حامی علما، یک بار از شیخ رجبعلی تبریز طلب دعا کرده و سپس در زیر سجاده او سکه‌های طلا گذاشته بود. به دلیل همین حمایت بود که از درویش مصطفی و ذکی درویش که از آناتولی آمده بودند خوشش آمده و برای راحتی بازگشت آنها شخصاً نامه ای ترکی به بیگلربیگی شیروان نوشته است. (رضاقلی خان: ۶۹۲۳).

گنجانندن نامه‌های ترکی در آثار مورخین فارسی نویس، نشان می‌دهد که از نظر مورخین ایرانی آن عصر، نگارش نامه ترکی توسط شاه عباس ثانی امری جالب توجه بوده، کما اینکه برای عالمان امروزی جالب است. زیرا از آثار سیاحان اروپایی فهمیده می‌شود که ترکی در زمان صفویه زبان دربار و زبان ایالات شمال غربی ایران بوده است (سومر، تاریخ صفوی: ۳۱).

نتیجه‌گیری

دولت صفویه در آغاز قرن شانزدهم توسط شیخ طریقت صفویه شاه اسماعیل بنیاد گذاشته شد. او شیعه دوازده امامی را بعنوان مذهب رسمی کشور پذیرفت. دولت صفویه که با دو حکومت سنی یعنی عثمانی‌ها در غرب و ازبکان در شرق می‌جنگید سعی داشت موجودیت و حاکمیت خود را با توسعه مذهب تشیع حفظ کند. بیش‌ترین گروه‌هایی که تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفتند ترکمان‌ها بودند. ایلات ترکمان که دولت صفویه را تأسیس کردند تا زمان اصلاحات شاه عباس اول در اداره کشور و ارتش بطور جدی نقش آفرینی می‌کردند. اما روش و شخصیت شاه عباس کبیر و همچنین در ادامه ویژگی و روش دولت صفوی شروع به تغییر کرد. اقدام به انتقال و دور کردن پایتخت از مناطق ترک نشین و انتقال آن به مرکز فارس‌ها یعنی اصفهان، تضعیف قدرت رهبران ترکمان با انجام اصلاحات متعدد و پراکنده کردن قبایل ترکمان در

۱. راسخ العقیده در طریقت اخلاص، مورد پسند راه شجاعت و مبارزه حاجی منوچهر خان

عنایت و توجه ما به شما را بی نهایت دانسته بطوریکه اکثر مواقع درخاطرم هستی، بالاخص در بعضی مجالس پرفیض، ان شالله در فرصت مقتضی به حضور ما مشرف شوی، از محبت و آیینه ضمیر ائمه‌ی معصومین علیه السلام، درویش مصطفی به همراه دوستش اراده آمدن به ولایت شروان دارند لوازم پذیرایی را به جا آورده سپس آنها را راهی نماید.

سرتاسر ایران، سپردن اداره کشور به صنف جدید غلامان یعنی گرجی ها و چرکس ها باعث تضعیف جایگاه ترکمانان در ایران شد.

سرانجام، دولت صفوی در نیمه اول قرن هجدهم و در نتیجه حمله افغانه به نابسامنی کشیده شده و سقوط کرد. دو نامه به زبان ترکی متعلق به عصر صفوی که پیش تر ذکرش رفت نشان از آن دارد که در کنار زبان فارسی بعنوان زبان رسمی دولت صفویه، بعضاً از زبان ترکی نیز برای نوشتن مکاتبات استفاده می شد. علت این حالات استثنایی، وضعیت خاص موضوع مکاتبه و همینطور توجه به این نکته که عناصر بنیانگذار دولت صفوی به مانند عثمانیان طوایف ترکمان بودند و شاهان صفوی نیز باتوجه به ترک بودنشان در سپاه و در دربار به ترکی تکلم می کردند. همچنین از نامه عبدالمومن خان که در بالا ذکر شد مشخص است حاکمان ازبک نیز بعضاً در مکاتبات خود از زبان ترکی استفاده می کردند. دلیلش شاید آنکه ازبکان گمان می کردند باتوجه به درک زبان ترکی توسط رجال حکومت صفوی، احتمالاً به اندازه کافی در دربار برای انجام مکاتبات، منشیان فارسی دان وجود ندارد. به نظر نگارنده، علاوه بر این موارد، وجود حکومت های ترک ازبک در شرق و عثمانی در غرب نیز در انجام مکاتبات به زبان ترکی از سوی دولت صفویه نقش داشته است.

باتوجه به اینکه زبان ترکی در دربار صفوی و ارتش مورد استفاده قرار می گرفت لذا بعضاً مکاتبات و اسناد رسمی نیز به زبان ترکی نوشته می شد. مشاهدات سیاحان غربی حاکی از آن است که زبان ترکی در دوره صفویه به طور گسترده در جغرافیای ایران به کار گرفته می شد. سیاحانی چون (دلواله، کمپفر، آدام اولاریوس و غیره) ضمن توجه به کاربرد زبان ترکی نمی توانستند شگفتی خود را از جملات "حتی شاه به زبان ترکی صحبت می کند" پنهان کنند. همچنین استفاده از تقویم دوازده حیوانی (در آثاری چون تذکره شاه طهماسب، اسکندر بیگ ترکمان، قاضی احمد قمی و ...)، و کاربرد اصطلاحات و عناوین ترکی در تشکیلات نظامی و درباری (مانند اشیک آغاسی، تفنگچی باشی، قوللار آغاسی، عالی قاپو و...) - مشخصاً در کتاب تذکره الملوک که بصورت مبسوط به تشکیلات اداری حکومت صفویه پرداخته - از نکات قابل توجه عناصر فرهنگ ترکی در عصر صفوی است. علاوه بر این، اتخاذ تشکیلات اداری حکومت های ترک ایلخانی، آق قویونلو و چغتای در ظهور ویژگی های ترکی حکومت صفویه مؤثر بود.

منابع

- Allouche, Adel. *Osmanlı-Safevî İlişkileri (Kökenleri ve Gelişimi)*, Çev: A. Emin
Dağ, İstanbul: Anka, 2001.
- Aydoğmuşoğlu, Cihat. *Şah Abbas ve Zamanı (1587-1629)*. Ankara: Berikan, 2013.
- Gündüz, Tufan. "Safeviler", *Diyanet İslâm Ansiklopedisi* 35 (2008): 451-457.
- Gündüz, Tufan. *Son Kızılbaş Şah İsmail*. İstanbul: Yeditepe, 2010.
- Karadeniz, Yılmaz. *İran Tarihi (1700-1925)*. İstanbul: Selenge, 2012.

Natanzî. Nekâvetü'l Âsâr fi Zikri'l Ahyâr. Yayına Hazırlayan: İhsan İshrâki, Tahran :Şirket-i İntişârât-ı İlmî ve Ferhengî, 1373.

Sâbityan, Z. Esnâd ve Nâme-hâ-yı Târihî (Devre-i Safevîye). Tahran: Kitâbhâne-i İbn-i Sina, 1343.

Sümer, Faruk. Oğuzlar, İstanbul: Türk Dünyası Araştırmaları Vakfı, 1999.

Sümer, Faruk. Safevî Devleti'nin Kuruluşu ve Gelişmesinde Anadolu Türklerinin Rolü. Ankara: Türk Tarih Kurumu, 1999.

Sümer, Faruk“ .Safevî Tarihi İle İlgili İncelemeler: I. ve II. Abbas Devirleri,” Türk Dünyası Araştırmaları 69 (1990): 9-32.

Sümer, Faruk. “Turgutlular”, İslâm Ansiklopedisi 12/2 (1988): 120-122.

Rıza Kulu Han Hidâyet. Târih-i Ravzatü's Safâ-yı Nâsîrî. Tahran: Kitâb Fûrûşhâ-yı Merkezî, 1339.

Rıza Kulu Han Hidâyet. Târih-i Ravzatü's Safâ-yı Nâsîrî. Yayına Hazırlayan : Cemşîd Kiyânfer, Tahran: İntişârât-ı Esâtir, 1385.

Tekindağ, Şehabeddin. “Yeni Kaynak ve Vesîkaların Işığı Altında Yavuz Sultan Selim'in İran Seferi”, Tarih Dergisi 17. 22 (1967): 49-78.

Veli Kulu Şamlu. Kısasü'l Hâkânî. Yayına Haz: Hüseyin Sâdât Nâsîrî, Tahran : Vezâret-i Ferheng ve İrşâd-i İslâmî, 1371.

Yazıcı, Tahsin. “Safeviler”, İslâm Ansiklopedisi 10 (1979): 53-59.

الخطم سوز

الخطم اكرم من هو في قلوبنا من شمس

ايسد و اراوندن جنونك شيدون كرم

والا عيان اجواما قرا مو اول طنه كوز درك و اول جنك ايشه كلسي كوز درك

كر كرم شادار سوزن حصيدن تخبون مشبه بايدوم ادا كلسيون كرم

ماد نركم انك ارضي سگي اولر صعل در كوزن كرم ايشه رانور

احولنا تنوعي در كرم سوزن سوزن كرم نفع ابرغر ندر عل نون كرم

نخوش لوزب رحمة امداد السمن
۱۰۱



الخطم سوز

كلم صبحان و نون كرم سوزن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی